پنج نکته در توحید از منظر امام رضاعليه‌السلام ـ اسماعیل تاج‌بخش
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۱ ـ ۱۴۰

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

پنج نکته در توحید از منظر امام رضاعليه‌السلام

اسماعیل تاج‌بخش*

چکیده: توحید بنیادی‌ترین پایه اصول اعتقادی اسلام است. امام رضاعليه‌السلام پنج اصل را در توحید بیان کرده‌اند که در این گفتار، به این اصول، همراه با برخی از اندیشه‌ها به صورت تطبیقی بیان می‌شود:

– نفی تشبیه: در حالی که در برخی منابع عرفانی با استناد به حدیث صورت، انسان را مظهر تجلی صفات و اسماء خداوند شمرده‌اند.

– عینیت ذات و صفات: اشاعره معتقد به قدیم بودن و زاید بودن صفات بر ذات هستند و معتزله صفات را عین ذات خدا بر شمرده‌اند.

– تفاوت اراده خالق و مخلوق: اراده مخلوق نیّت درونی است که منشأ بروز فعل می‌شود، اما اراده خداوند همان فعل خدا است و کیفیت ندارد.

– رابطه خالق و مخلوق: در نظام علّی و معلولی سنخیت مطرح می‌شود در حالی که مباینت ذاتی در رابطه خالق و مخلوق وجود دارد.

– نفی وحدت عددی: وحدت خداوند، بی‌مانندی و نفی هر گونه ترکیب از ذات اوست.

کلیدواژه‌ها: توحید / نفی تشبیه / حدیث صورت / صفت ذات / اراده خدا / سنخیت / علّیت / مباینت / وحدت عددی.

---

*. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی e.taj37@yahoo.com

مقدمه

دربارهٔ توحید – که نخستین و بنیادی‌ترین پایهٔ اصول اعتقادی اسلام است – کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است؛ ما قصد نداریم در این مقاله آنها را تکرار یا تلخیص کنیم، بلکه پنج نکتهٔ مهم را در توضیح و توجیه توحید از سخنان امام هشتم علیه‌السلام برگزیده و تحلیل و بررسی آنها را با ترجمه و گزارش عرضه کرده‌ایم.

۱. نفی خداگونگی آدمی

حدیث معروفی به پیامبر گرامی‌اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت داده شده که فرمود: «**إنَّ الله خلق آدمَ علی صورته**». (*الجامع الصغیر*: ج۴/۲)

این حدیث در پاره‌ای از منابع عرفانی ادب فارسی نیز بازتاب یافته است، مولوی می‌گوید:

خلق ما بر صورت خود کرد حق　　وصف ما از وصف او گیرد سبق

(*مثنوی معنوی* ج ۴/بیت ۱۱۹۴)

بیشترینهٔ مفسّران مثنوی نیز آن را همین‌گونه فهمیده و توجیه کرده‌اند.

مثلاً دکتر زرین کوب می‌گوید:

... کلام مولانا تعبیری است از محتوای مضمون یک حدیث نبوی که نزد صوفیه غالباً بدان اشاره می‌شود و به موجب آن، خداوند آدم را بر صورت خویش خلق کرد...این قول ... در نزد مولانا مستند این حکم است که صفات ما نیز از صفات و اوصاف حق ناشی، و البته خلافت الهی انسان و این که انسان مظهر و مرآت تجلّی اوصاف حق هم هست، به احتمال قوی می‌بایست در نزد وی ناشی از همین معنی بوده باشد...(*سرّنی*: ۶۰۹)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

در مصراع دوم مولانا حدیث را این گونه تفسیر می‌کند: اوصاف ما تجلّی اوصاف حق است، و هر صفتی که ما داریم، از صفات حق درس می‌گیرد.... و او به ما تلقین یا عنایت می‌کند. (*مثنوی معنوی* ج ۴/ص۲۵۶)

خلاصهٔ سخن این است که عرفا – که جهان‌بینی‌شان بر مبنای «تجلّی» است و همه هستی را مظاهر و مرایای جمال حق می‌دانند– به این حدیث استناد می‌کنند و می‌گویند: «صورت» در این‌جا به معنای چهره نیست، زیرا خداوند از این معانی منزه است؛ بلکه صورت این‌جا به معنی تجلیات اسماء و صفات الهی است؛ یعنی انسان تنها موجودی است که مظهر همهٔ اسماء و صفات خداوند است. در حالی که در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام می‌خوانیم:

«**من شبّه الله تعالی بخلقه فهو مشرک، و مَن نَسَبَ الیه ما نَهی عنه فهو کافر**» (*التوحید*: ۶۹ و ۷۶ و ۸۰ حدیث ۲۵ و ۳۱ و ۳۵؛ *عیون اخبار الامام الرضا*: ۱۰۵/۲ ؛ *بحار الانوار*: ۲۹۴/۳ و ۲۹۹ حدیث ۱۶و ۲۸ ، همان ۱۴۰/۴ حدیث ۶ و : ۷۵ /۳۵۶ حدیث۱۰۶؛ *کشف الغمّه*: ۷۸/۳؛ *الاحتجاج*: ۱۹۲/۲، *روضهٔ الواعظین*: ۳۶)

در این حدیث، امام علیه‌السلام به صراحت چنین اعتقاد و اندیشه‌ای را باطل و مردود و باورمند آن را کافر می‌شمارد. در فرمایشی دیگر به سرچشمه و خاستگاه این برداشت نادرست اشاره فرموده است؛ حسین ابن خالد به امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: «ای پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ... [برخی از] مردم باور دارند که خداوند آنان را بر صورت خویش آفریده است و آن را به روایتی از رسول خدا مستند کرده‌اند. امام در پاسخ او فرمود: خدا آنان را بکشد؛ اینان بخش نخست حدیث را حذف کرده [و از یاد برده]اند؛ [روزی] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از کنار دو مرد می‌گذشت که همدیگر را دشنام می‌دادند؛ حضرتش شنید که یکی از آنها به دوستش گفت: خدا رویت را زشت گرداند و روی هر کس [دیگری] را که همانند توست. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به او گفت: ای بندهٔ خدا به برادرت چنین مگو، زیرا خداوند بزرگ، آدم علیه‌السلام را بر صورت او (= همانند او) آفریده است. در حقیقت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به او خاطر نشان کرد که چنین جمله‌ای توهین به حضرت آدم علیه‌السلام محسوب می‌شود و مرجع ضمیر در «صورته» مردی است که مخاطب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

به برادر دینی‌اش دشنام می‌داده، نه ذات اقدس اله. امام در ادامهٔ سخنش به حدیث قدسی دیگری در این زمینه اشاره می‌کند: «**ما عرفنی من شبّهنی بخلقی**». (*التوحید*: ۶۸ حدیث ۲۳؛ *الامالی*: ۵۵ حدیث ۱۰؛ *عیون اخبار الامام الرضا*: ۱۰۷/۲ حدیث ۴، *الاحتجاج*: ۱۹۲/۲؛ *بحار الانوار*: ۲۹۱/۳ حدیث ۹ و : ۱۰۷/۸۹ حدیث ۱؛ *کشف الغمّه*: ۷۸/۳)

در ادامهٔ این بحث باید افزود که علامهٔ مجلسی در *بحار الانوار* – ج۱۱: ۱۲۱ و ج ۵۴: ۱۰۳ – این حدیث را از سیّد بن طاووس به گونه‌ای دیگر آورده است، که در آن ضمیر «ه» به «الله» باز می‌گردد نه به آدم. در *اصول کافی* – ج۱ باب ۲۱ حدیث ۴– از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که خداوند صورت آدم را آفرید و آن را به خودش نسبت داد، چنان که «روح» و «بیت» (= خانهٔ کعبه) را نیز به خود نسبت کرد، با آن که این نسبت‌ها هرگز تشبّه میان خداوند متعال با روح و کعبه را نمی‌رساند.

۲. عینیّت ذات و صفات حق تعالی

آیا صفات حق تعالی حقیقی و عین ذات مقدّس اوست یا مغایر با آن؟ این مسئله، معرکهٔ آراء متکلّمان بوده است. اشاعره ادّعا می‌کنند که صفات خداوند متعال قدیم و زاید بر ذات اوست و او به علمی‌که مغایر و زاید بر ذات اوست عالم، و مرید به اراده، وحیّ به حیات است؛ یعنی به چیزی زاید بر ذات خود که مقتضی ثبوت این اوصاف برای اوست. (شیعه در برابر معتزله: ۲۳۳) در برابر اینان معتزله و شیعه معتقدند که صفات مذکور عین ذات اقدس اویند؛ یعنی غیر از ذات او چیزی که به آن علم، قدرت، سمع، بصر، حیات و ... گفته شود، وجود ندارد.

حسین ابن خالد می‌گوید: از امام رضا علیه‌السلام شنیدم که فرمود: «لم یزل الله عالما قادراً حیّاً قدیماً سمیعاً بصیرا» گفتم: ای پسر رسول خدا، گروهی می‌گویند: «لم یزل الله عالما بعلم و قادراً بقدرة و حیّاً بحیاة و قدیماً بقدمٍ و سمیعاً بسمع و بصیراً ببصر»

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

امام فرمود: هرکس چنین بگوید و به آن تسلیم (= معتقد) شود، همراه خدا، خدایان دیگری گرفته است و از ولایت ما بهره‌ای ندارد. سپس فرمود: «لم یزل الله علیماً قَادراً حیّاً قَدیماً سَمیعاً بَصیراً لذَاته، تَعَالی الله عمّا یقُولون المُشرکون و المُشبهون علواً کَبِیراً».

(*التوحید*: ۱۴۰ حدیث ۳، *عیون اخبار الرضا*: ۱۰۹/۲ حدیث ۱۰، *روضه الواعظین*: ۳۷، *بحار الانوار*: ۶۲/۴ حدیث ۱)

از سخن امام علیه‌السلام به دست می‌آید که اگر این صفت‌ها مغایرت واقعی با ذات اقدس الله داشته و عین ذات خدای متعال نباشند، در ازلیت (= همیشگی) و قدم (= دیرینگی) شریک او خواهند بود؛ و چنین‌اندیشه‌ای با عقیدهٔ توحید هیچ‌گونه سازگاری ندارد.

در حدیث دیگری که از آن حضرت آمده است، محمد بن عرفه از ایشان می‌پرسد: خلق الله الاشیاء بالقدرة ام بغیر القدرة؟

امام در پاسخ او می‌فرماید: روا نیست که خداوندْ اشیا را به وسیلهٔ قدرت بیافریند؛ زیرا وقتی چنین می‌گویی، انگار چیزی جز ذات خداوند – و مغایر با آن– را ابزارِ خلقت او می‌پنداری، و چنین باوری شرک است، زیرا خداوند متعال در آفرینش اشیاء ناتوان و ضعیف و نیازمند چیزی نیست. او ذاتاً – و به حقیقت– قادر است [و قدرت از ذات او جدا نیست] نه اینکه به کمکِ قدرت، اشیاء را خلق کرده باشد. (*التوحید*: ۱۳۰ حدیث ۱۲؛ *عیون اخبار الرضا*: ۱۰۸/۲ حدیث ۷؛ *بحار الانوار*: ۱۳۶/۴ حدیث ۳)

۳. تفاوت ارادهٔ خالق و مخلوق

صفوان بن یحیی از امام رضا علیه‌السلام پرسید: مرا از [تفاوت] ارادهٔ خداوند و مخلوق آگاه گردان.

امام علیه‌السلام فرمود:

الإرَادة من المَخلوق الضّمیر، و مَا یَبدو لهُ یُعدّ ذَلکَ من الفِعل، و أمّا من الله فإرَادته إحداثه لاَ غَیر ذَلکَ لأنّه لا یَروي و لاَ یَهم و لاَ یَتفکر، و هذِه الصّفات مَنفیة عنهُ، و هي من صفَات

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

الخُلق، فإرَادة الله هيِ الفِعل لاَ غَير ذَلکَ يَقول «كُن فَيَكُونُ» (یس: ۸۳) بلاَلَفظ و لاَ نطق بلسَان، و لاَ همّة و لاَ تَفكر و لاَ كَيف كذَلک، كمَا أنّه بلاَ كَيف.

ارادهٔ مخلوق، همان ذهن و ضمیر او و یک نیّت درونی است که منشأ بروز فعل می‌شود؛ امّا ارادهٔ خداوند جز ایجاد و آفریدن او چیزی نیست؛ زیرا ذات اقدس او [پیش از خلقت اشیاء مانند مخلوقات] اندیشه و قصد و تصمیم ندارد، و این‌گونه صفت‌ها راهی به ساحت منزّه او ندارند؛ زیرا اینها صفات مخلوقاتند؛ ارادهٔ خداوند همان فقط فعل [وایجاد] اوست، و نه چیزی دیگر. او می‌فرماید: کن فیکون. و [این ایجاد] به کمک لفظ و سخنِ زبان و قصد واندیشه نیست؛ و کیفیت ندارد، یعنی بلاکیف است (= هیچ کیفیتی برای آن وجود ندارد و نباید به کیفیت ارادهٔ خدا بیندیشیم).

امام علیه‌السلام در جای دیگری نیز – در مناظرهٔ سلیمان مروزی- متکلم بزرگ خراسان که مأمون عباسی نیز حضور دارد؛ و امام علیه‌السلام او را با دلایل متقن مجاب و محکوم و مبهوت می‌کند- ازلیت ارادهٔ خداوند را ابطال و حدوث آن را با برهان‌های استوار اثبات و شبهات و اشکالات وارد را رد می‌کند. این بحث مبسوط در *توحید* صدوق آمده است.

۴. رابطهٔ خالق و مخلوقات

پیروان عرفان‌های بشری رابطهٔ خدا و خلق را عینیت می‌دانند و جهان را جلوه‌ای از جمال شاهد ازلی و فروغی از خورشید جمال خداوند:

عاشق جلوهٔ خود بود و جهان آینه ساخت — و اندر آینه یک چند ز رخ پرده گشود
دانی او کیست؟ همان شاهد حسن ازلی — ای بسا عبد که چون من نشناسد معبود

اصحاب فلسفه، این رابطه را سنخیت می‌دانند، زیرا در اعتقاد آنان این جهان معلولی است که از علّت اولی در سلسله مراتب طولی صادر شده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

«خلق الله الخلق حجاب بینه و بینهم و مباینته‌ایاهم مفارقته انیّتهم». (*التوحید*: ۳۵، حدیث ۲)

«انیّت» به معنی حقیقت شیء است امام علیه‌السلام با بیان این حدیث مباینت ذاتی خالق و مخلوق را به روشنی بیان می‌کند و تأکید دارد که آن دو در ذات و حقیقت هیچ‌گونه سنخیّت و مشابهت و اشتراکی ندارند. آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

«فکلّ ما فی الخلق لایوجد فی خالقه و کلّ ما یمکن فیه یمتنع من صانعه». (همان: ۴۰، حدیث ۲۶)

یکی از دانشمندان معاصر می‌گوید:

> ...اگر میان خالق و مخلوق، سنخیت و اشتراک در حقیقت باشد، تعبیر «کلّ» در روایت بی‌معنا خواهد بود. پس این حدیث هم به خوبی دلالت دارد که هیچ سنخیتی میان خالق و خلق در کار نیست. (*توحید از نگاه وحی*، فلسفه و عرفان: ۵۹)

حضرت رضا علیه‌السلام بارها براین نکتهٔ مهم تأکید داشته است و در جای دیگر ضمن نقل خطبه‌ای از امیر مؤمنان علیه‌السلام تصریح دارد که؛

> ... ما سوی الله – اعم از مخلوقات نوری، موجودات عالی و سافل و ... – در صفات با او مباین هستند و خداوند متعال به موجودات متغیر و حادث که امکان تصرّف در آن‌ها هست، درک نمی‌شود. (همان: ۶۱)

و نیز در نامه‌ای به فتح بن یزید جرجانی در پاسخ پرسش او می‌نویسد:

> ... فالحجاب بینه و بین خلقه لامتناعه ممّا یمکن فی ذواتهم، و لامکان ذواتهم ممّا یمتنع منه ذاته و لافتراق الصانع و المصنوع و الربّ و المربوب و الحادّ و المحدود... (*التوحید*: ۵۶، حدیث ۱۴)

سرانجام به صراحت می‌فرماید:

کنهه تفریق بینه و بین خلقه (همان: ۳۶، حدیث ۲)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

۵. خداوندِ یگانه، واحد عددی نیست

یکی از مطالبی که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام سخت مردود و باطل شناخته شده، وحدت عددی آفریدگار است. حضرت علی علیه‌السلام در پاسخ شخصی که در جنگ جمل از وحدت خواند سؤال کرد، به صراحت فرمود:

... فقــول القــائل: واحدٌ – یقصد به باب الاعداد– فهذا ما لایجوز، لأنّ مالاثانی له لایدخل فی باب الاعداد... (*التوحید*[مترجَم]: ۹۰ حدیث ۳).

که در نهج البلاغه – خطبه‌های ۱۸۰ و ۱۴۸ نیز آمده است:

«واحدٌ لا بعدد» و «الاحد بلا تأویل عدد».

و نیز در جای دیگر فرمود:

«واحدٌ لا من عدد». (*التوحید*: ۷۰ حدیث ۲۶)

علّت این امر آن است که در وحدت عددی دومی برایش متصوّر است هرچند در خارج تحقق نداشته باشد، مانند این که بگوییم: خورشید در آسمان یکی است.

مولوی با این که – مانند سایر معتقدان عرفان‌های بشری– وحدت وجودی است، امّا به این نکته نیک واقف بوده و در ردّ وحدت عددی خداوند در مثنوی با تمثیل زیبایی بیان کرده و مردود دانسته است:

شمس در خارج اگرچه هست فرد — می‌توان هم، مثل او تصویر کرد

شمس جان کو خارج آمد از اثیر — نبودش در ذهن و در خارج نظیر

(*مثنوی معنوی*: ۱/ ابیات ۱۲۱–۱۲۰)

امّا منظور از وحدت خداوند سبحان بی‌مانندی و نفی هرگونه ترکیب از ذات اوست و این نکته از سخن صریح امام متقیان علیه‌السلام در رسالهٔ توحید به دست می‌آید:

... هو واحدٌ [ای] لیس له فی الاشیاءشبه ... و احدیّ المعنی یعنی به انّه لا ینقسم فی وجود و لا عقل و لا وهم... (*التوحید*: ۸۳ حدیث ۳)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

حضرت رضاعليه‌السلام نیز در همان نامهٔ فتح بن یزید به صراحت می‌فرماید: احدٌ لا بتأویل عدد (همان: ۵۳ حدیث ۱۴)؛ یعنی ذات اقدس اله یگانه است نه به معنی وحدت عددی.

منابع

- *الاحتجاج* (۱۴۲۲ق): طبرسی احمدبن علی؛ تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمدهادی؛ قم: انتشارات اسوه.

-*أصول الکافی* لمحمّدبن یعقوب الکلینیّ الرّازی (۱۳۸۹ هـ): تحقیق: علیّ أکبر الغفّاری، طبعة دار الکتب الإسلامیة – طهران.

- *امالی* الصّدوق (۱۴۰۰هـ): لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصّدوق (ت۳۸۱هـ)، طبعة دار الفکر العربی ۱۲۵۴هـ ، و طبعة مؤسّسة الأعلمی- بیروت، الطّبعة الخامسة.

- *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*(۱۴۱۲هـ): للعلّامة محمّد باقر بن محمّد تقیّ المجلسیّ (ت۱۱۱۰هـ ق)، تحقیق و نشر: دار إحیاء التّراث، الطّبعة الأولی – بیروت و طبعة مؤسسّة الوفاء بیروت ۱۴۰۰ هـ و الطّبعه الرّابعه – بیروت ۱۴۰۵هـ .

- *التوحید* (۱۳۵۶ش): شیخ صدوق؛ قم، جامعة مدرسین.

- *التوحید* (۱۳۸۴ش): شیخ صدوق – برگردان: محمدعلی سلطانی- ارمغان طوبی، تهران.

- *توحید از نگاه وحی، فلسفه عرفان* (۱۳۹۱ش): سید جعفر سیّدان، قم، دلیل ما.

- *الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر* (۱۳۹۹ق): جلال الدین عبدالرحمن سیوطی قاهرة.

- *روضة الواعظین* (۱۴۰۶هـ): لمحمدبن الحسن بن علیّ الفتال النّیشابوری، (۵۰۸ هـ ق)، طبعة بیروت ۱۴۰۲ هـ و طبع مؤسسة الأعلمی بیروت الطّبعة الأولی.

- *سرّنی* (۱۳۶۳): عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، علمی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]

- *شیعه در برابر معتزله و* اشاعره (۱۳۸۸ش):هاشم معروف الحسنی – ترجمهٔ سیدمحمد صادق عارف- مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی‌آستان قدس رضوی.

- *عیون أخبار الرّضا*ﷺ: لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصّدوق (ت۳۸۱هـ)، منشورات المکتبة الحیدریة، النّجف الأشرف

- *کشف الغمة في معرفة الأئمة*، لعلیّ بن عیسی الإربلیّ (ت۶۸۷هـ): تصحیح‌هاشم الرّسولی المحلاتی، دار الکتاب الإسلامی، بیروت، الطّبعة الأولی ۱۴۰۱ هـ و طبعة تبریز بدون تأریخ.

- *مثنوی* (۱۳۶۹ش): جلال الدین بلخی – دکتر محمد استعلامی- تهران، زوار.

- *المیزان فی تفسیر القرآن* (۱۳۹۷هـ): لمحمد حسین الطّباطبائی، دار الکتب الإسلامیة، طهران، الطّبعة الثّالثة.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.4.8]